

تاریخ دیوانگی

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۲۱

در طول تاریخ تمدن انسانی، تعریف عمومی دیوانگی مدام در حال تغییر بوده است. در فرهنگ یهودی - مسیحی غرب که سابقه اش به داستان های مذهبی تورات و انجیل بر می گردد دیوانگی به دو دلیل مشخص صورت می گرفته است آنها یا به خاطر کارهای بدی که می کردند مغضوب خدا قرار گرفته بودند یا رفتار بدشان حکایت از افتادن به دام شیطان داشت.

در طول تاریخ تمدن انسانی، تعریف عمومی دیوانگی مدام در حال تغییر بوده است. در فرهنگ یهودی - مسیحی غرب که سابقه اش به داستان های مذهبی تورات و انجیل بر می گردد دیوانگی به دو دلیل مشخص صورت می گرفته است آنها یا به خاطر کارهای بدی که می کردند مغضوب خدا قرار گرفته بودند یا رفتار بدشان حکایت از افتادن به دام شیطان داشت. قدیمی ترین روایت مذهبی در باره شاه بابل Nebuchadnezzar است که از سر غرور مورد لعن خداوند قرار گرفت و کارش به دیوانگی کشیده شد. در فرهنگ اسطوره ای خدایان یونان نیز مفهوم اصلی رفتار دیوانه ها در نتیجه خشم خدایان صورت می گرفت. آگامنون اعلام می کند که زئوس ذهن منطقی اش را از او ربوده است هرکول نیز گاه و بیگاه دشمنانش را به دیوانگی مبتلا می ساخت. اما در قرن ۴ قبل از میلاد این هیپوکرات بود که رسماً نوشت مشکل دیوانه ها به دلیل به هم خوردن مایعات درونی شان است در دوره گسترش مسیحیت در اروپا و تاثیری که مذاهب اولیه جادو گرانه منطقه به مسیحیت داده بود دیوانگی به سرعت به سمت نقش جادو برای تنبیه افراد نیز کشیده شد. در این دوره ها، راه شفای دیوانگان به برخورداری از تماس دست شفا دهنده مسیح و شهدا و قدیسین کاتولیک موکول شد. قدیسینی که به دلایلی توسط قدرتمندان کشته می شدند نیز از قدرت شفا برخوردار می شدند. با آمدن رنسانس و برگشت دوباره به فرهنگ و فلسفه یونان و روم به دانشمندان علم طبیعی اروپا اجازه داد که اندیشه های فیلسوف رومن جلب بود نزدیک هیپوکرات فکری روش به دیوانگی و روانی بیماری توضیح به که مسیح میلاد از بعد دوم قرن در Galen شوند. گالن نیز به هم خوردن چهار نهاد اصلی وجود انسان و زیاد شدن مایع سیاه در بدن انسان و از بین رفتن تعادل حیات انسانی معتقد بود. این شیوه دیدن انسان تا حوالی قرن ۱۹ میلادی به انواع مختلف در پزشکی مسیحی - غربی خودنمایی می کرد. برای مثال به اندیشه ای رسید که حضور یک قطعه سنگ را در مغز، نشانه دیوانگی می دانست. تصویر جراحی معروف و در آوردن سنگ از مغز یک مریض، شاهد معروفی از این درمان است. مسیحیت در اروپا در ضمن به این روش اصلی نیز رسید که آسایشگاه های مخصوصی برای دیوانگان بسازد و آنها را مثل جزایمان از جامعه دور نگه دارد. در دوره ای مشخص که ترس از افکار رنسانس، امپراطوری کلیسا را به آتش زدن و کشتن مشرکین و کافرین سوق داده بود بخشی از دیوانگان نیز به بهانه اسیر شیطان بودن در آتش افکنده شده بودند. با شکل گیری اندیشه های جدید در قرن ۱۹ میلادی که به حالت مجسمه و صورت اهمیت زیاد قائل شد کم کم برگشت کاملی صورت گرفت به دلایل فیزیکی و شیمیایی در بدن یک انسان مریض که از او یک دیوانه می ساخت. رابطه

دیوانگی و مغز آنقدر گسترش یافت که تفسیر نوع سر و صورت مبنای تشخیص انواع بیماری های روحی و روانی شد. با این وجود حکم اولیه و توهین کننده برای غل و زنجیر کردن و بی ارزش دانستن انسان غیر قابل علاج و دیوانه در فرهنگ غربی ادامه داشت. با وجود تاسیس بیمارستانها و آسایشگاه های متعدد در پاریس و لندن، همچنان انسان پریشان در حد یک موش آزمایشگاهی بود که هر روشی را برای درمان شان لازم می دیدند. از پیشنهاد پدر بزرگ داروین که معتقد بود باید دیوانه ها را به صندلی متحرکی ببندند و با سرعت او را بلرزاند تا امعاء و احشای او در هم بریزد تا خون کشی از طریق زالو تا تخلیه روده بیماران تا دادن شوک الکتریکی و درهم فشردن جمجمه، تجویزهای علاج دیوانگی محسوب می شد. با آمدن فروید و تکیه او به شرایط و تاثیرات دوران کودکی و برجسته کردن ناهنجاری های که در ناخودآگاه بشر شکل می گیرد مسیر علاج مهربانتر و انسانی تر گشت. از آن پس اهمیت وضعیت روحی و اجتماعی فرد روانی باعث شد تا زمینه ایجاد داروها برای کنترل دیوانگی و اقسام آن نیز به ذهن دانشمندان خطور کند. با آمدن اولین داروها در قرن بیستم و نوید رهایی و آسایش از ناهنجاری روحی روانی به درون مردم هم کشیده شد و شکل های ساده تر و کم رنگ تر ناهنجاری ها نظیر افسردگی و بی خوابی و تشنج نیز در دستور معالجه پزشکان قرار گرفت. با رشد تکنولوژی تصویر برداری از مغز و علم ژنتیک و روانشناسی رفتاری، اندیشه فروید مرکزیت خود را در دانشگاه های غرب از دست داد و از آن پس تا همین اواخر دارو حرف اول را می زند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۷۱۶-تاریخ-دیوانگی>